

زن جوان از آخرین پیامک عاشقانه گفت

شهادت آتش نشان تهرانی در روز تولد همسرش



علی چاهه/۶ اسفند ماه ساعت ۱۰ صبح بود که آخرین پیام خود را برای تبریک تولد ارسال کرد و نوشت: سلام عشقم، صبح بخیر و تولدت مبارک؛ می بوسمت هزارتا.

امامن خواب بودم و وقتی ساعت ۱۱ صبح بیدار شدم و پیامش را دیدم در ۱۱ ساعت برایم نوشتنم؛ سلام قریبونت برم عزیز دلم، فدات بشم و...»

این حرف ها را زنی با چشمانی خون آلود در حضور دو فرزندش، روز ۱۳ فروردین ماه، روزی که خانواده ها دور یکدیگر جمع شده و برای به یاد آوردن آن به طبیعت می روند در امامزاده علی اکبر چیدر و بر سر مزار آتش نشانی خوشنام و محسوب و همچنین همسر و پدری مهربان و فداکاری می گوید. زنی که ۱۹ سال تمام در کنار شهید دارابی، آتش نشان جانباز خانه در آتش سوزی ساختمان خیابان بهار با خوبی و خوشی زندگی کرد و حالا روز تولدش، روز مرگ معشوقش شده است؛ روزی که هرگز پاسخی به پیام دوم داده نشد چرا که شهید دارابی فرمانده ایستگاه ۱۲۰ آتش نشانی دقیقاً ۲۰ دقیقه بعد از پیام به همسرش، با اعلام خبر آتش سوزی یک ساختمان، همراه با سایر نیروهای خود برای اطفای حریق ساختمان ۱۵۳ خیابان بهار به محل حادثه حرکت می کند. در آن شرایط با وجود اینکه شهید دارابی به عنوان رئیس ایستگاه می توانست تنها نظاره گر حادثه باشد و جان خود را برای اطفای حریق به خطر نیندازد اما تصمیم دیگری گرفته و دل به آتش می زند. آن هم نه یک بار بلکه سه مرتبه تا طبقات زیرین ساختمان می رود.

فرمانده دارابی نبض داشت

آتش نشانان تا ساعتی باور نمی کردند که او جان خود را از دست داده است و حتی همسان روز بود که جلال ملکی سخنگوی آتش نشانی، وقتی از ساختمان خارج شد و عده ای می گفتند که فرمانده دارابی به شهادت رسیده است، فریادگنان این موضوع را رد می کرد؛ کوی نمی خواست مرگ نه تنها همکار قدیمی بلکه رفیقش را باور کند. البته شرایط نیزی تأثیر نبود چرا که به گفته یکی از دوستانش «وقتی از آسانسور پیکر شهید دارابی را خارج کردند عوامل اورژانس نبض او را گرفتند که عدد ۴۸ را نشان می داد و همه فکری می کردند شهید شادمی زنده است در صورتی که وقتی دستکش های او را درآوردیم، آب بدن او که در دستکش هایش جمع شده بود، بیرون ریخت و ما فهمیدیم دلیل آن نبض نیز حرارت بالا در زیر زمین بوده که خون شهید دارابی را به جوش آورده بود.»

خبر شهادت پدر را عباس بابا شنید

این در حالی است که وقتی همسر شهید دارابی بی خبر از وضعیت ساختمان و رسانه های فکری می کرد که مثل همیشه فرمانده دارابی تنها چند ساعتی دیر کرده است و جای هیچ نگرانی نیست، خبر شهید شدنش ابتدا به صورت غیررسمی منتشر شد که همین مسأله باعث می شود چند تن از اعضای خانواده با همسر شهید تماس گرفته و جوایی

حال فرمانده دارابی شوند که به دلیل بی خبری همسر او دیگر پیگیر نمی شوند. بدین ترتیب نگرانی و دلشوره امان همسر فرمانده دارابی را می برد و باعث می شود تا با هر شماره ای که فکرش را بکنید تماس بگیرد. از پایگاه گرفته تا سایر مسئولان آتش نشانی اما همه اظهار بی اطلاعی می کنند و از دادن خبر امتناع می ورزند. در این میان تلفن امیرعباس پسر بزرگ شهید دارابی زنگ خورده و همکلاسی اش، خبر به شهادت رسیدن پدرش را به آنها می دهد. البته بعد از آن مسئولان به خانواده شان خبر می دهند که خبر اشتباه بوده و شهید دارابی مصدوم و بیمارستان سجاد بستری است.

هنوز فرمانده دارابی شهید اعلام نشده است

کمتراز ۵ روز دیگر، چهلین روز شهادت فرمانده دارابی است اما تکلیف شهید اعلام شدن او هنوز مشخص نیست. در همین زمینه همسر شهید نیز می گوید: «پیکر شهید همسرم بودیم اما نباید شهید این موضوع را قبول نمی کند و گفته می شود که فقط جانبازان حادثه پلاسکو شهید هستند. آنها ما را به شهرداری ارجاع می دهند در صورتی که مگر غیر از این است که امثال همسر من برای مردم جان خود را به خطر انداخته اند.» پس می توان گفت که هنوز تکلیف حقوق شهید دارابی مشخص نشده است و با توجه به

راز آخرین عکس شهید دارابی

یکی از آتش نشانان درباره آن روز می گوید: «آن عکس آخری که از شهید دارابی گرفته شد، دقیقاً بعد از بیرون آمدن او برای سومین بار از ساختمان بود که به یکی از بچه ها گفت تا آخرین عکس را از او بگیرند. گویا اصلاً به شهید دارابی الهام شده بود که قرار است اتفاقی برایش رخ بدهد.» پس برای مبارک و دل آتش زد که متأسفانه آن اتفاق تلخ و ناگوار رخ می دهد و فرمانده دارابی به شهادت می رسد. اما سایر آتش نشانان حاضر در محل این موضوع را باور نکرده و در دمایی که به ۵۰۰ درجه سانتیگراد می رسد و بدون شک هیچ آتش نشانی در جهان برای بالا آوردن یک همکار چنین کاری نمی کند، دست به کار شده و شهید دارابی را از چاهک آسانسور خارج می کنند.



مرد آدم ربای ۳ هزار دلار پول می خواهد



«آزار سیاه» زن میلیاردی تهرانی جلوی دوربین شیطان

روال همیشگی کارم با مشتری قرار گذاشتم. او مقابل منزل ما در غرب تهران آمد و با خودروی دیگنیتی من به سمت ویلای او راه افتادیم. «**دقایق وحشتناک** اما فقط چند دقیقه زمان کافی بود که نیلوفر منوجه شود ویلایی در کار نیست: «چند دقیقه که در مسیر پیش رفتیم آن مرد چاقویی از جیبش بیرون آورد و روی پای من گذاشت. با تهدید چاقو از من خواست به هر سمتی او می گوید خودرو را برانم. بعد من را وادار کرد که به سمت جنوب تهران رانندگی کنم. سرانجام با تهدید من را به خانه ای حوالی میدان خراسان برد. در آنجا او به من تجاوز کرد و از من عکس و فیلم می گرفت و تهدید کرد. بعد فیلم خانم دیگری را به من نشان داد»

دسیسه زنانه ۴ جنایت در تهران

گناه نابخشوده

با هم در ارتباط هستند و این در حالی است که روز ۲۱ اسفند ماه مرد جوان به خانه اش در منطقه پردیس مراجعه کرده است. همین سرخ کافی بود تا مأموران به سراغ سبنا که در بومهن زندگی می کرد بروند اما مشخص شد که او مدتی است به خانه مراجعه نکرده است تا اینکه کارآگاهان پی بردند که سبنا به یکی از استان های غربی کشور رفته و در حال بازگشت به تهران است.



گناه نابخشوده زن تهرانی

سبنا و مرجان که دیگر راهی جز اعتراف نداشتند به قتل مرد گمشده اعتراف کردند و مشخص شد جسد مرد جوان را در بیابان های منطقه مهرآباد در جاده دماوند دفن کرده اند که در ادامه تیمی از کارآگاهان اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران همراه متهمان به محل دفن جسد رفته و جنازه مرد جوان را پیدا کردند. مرجان ۲۶ ساله در خصوص انگیزه قتل شوهرش گفت: ۱۸ ساله بودم که ازدواج کردم و بعد از مدتی متوجه بداخلاقی های همسرم شدم اما فکری نمی کردم بعد از تولد فرزندم شرایط بهتری می شود اما فرقی نکرد و در این سال ها تحمل کردم، اما وقتی دیدم شوهرم برخی مواقع مواد مخدر مصرف می کند و حتی متوجه شدم زن دوم گرفته است دیگر طاقت نیآوردم. وی افزود: وقتی با سبنا آشنا شدم با او دردل کردم و او حرف هایم را شنید، تصمیم گرفتم همسرم را به قتل برسانم و دخترم از این ماجراها خبری نداشت.



روز ما تماس خواهد گرفت و حتی از ما خواست سبنا مالکیت خودرو و ویدک کش شخصی اش را به نام همسرش کنیم اما وقتی دیدیم بعد از چند روز از برادرمان خبری نیست به پلیس مراجعه کردیم. کارآگاهان در این مرحله همسر مرد گمشده را که مرجان نام دارد به صورت نامحسوس تحت نظر قرار دادند و در تحقیقات مشخص شد که زن جوان از ۶ ماه قبل با پسر ۲۰ ساله ای به نام سبنا آشنا شده و

حسین خزائی/فر پسر عاشق پیشه پس از قتل شوهر زن خیانتکار تصمیم داشت ۳ جنایت دیگر را رقم بزند که نقشه اش نافرجام ماند.

به گزارش «ایران»، او اواخر اسفند ماه سال گذشته شوهر و برادر مرد جوانی پای در کلانتری منطقه حسن آباد تهران گذاشتند و از ناپدید شدن برادر ۴۱ ساله شان خبر دادند.

بدین ترتیب بازپرس شعبه ۸ دادسرای امور جنایی پایتخت با شکایت خانواده مرد گمشده دستور داد تا تیمی از کارآگاهان اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران برای تحقیق وارد عمل شوند که در ادامه کارآگاهان تحقیقات را از خانواده مرد ناپدید شده آغاز کردند.

تیم تحقیق در گام نخست تحقیقات پی برد مرد جوان از ۲ ماه قبل همراه همسر و دخترش از خانه خارج شده و به خانه خودشان در پردیس می رود و از آن روز به بعد دیگر خبری از وی نمی شود و این در حالی بود که خانواده مرد جوان پس از چند روز به پلیس مراجعه کرده بودند. خانواده این مرد در خصوص علت تاخیرشان عنوان کردند که پیامک هایی از گوشی تلفن همراه برادرمان برای ما ارسال می شد که ادعا می کرد قصد رفتن به کشور ترکیه را دارد و بعد از چند

شلیک مرگبار به تمساح برای جسد کودک ۲ ساله

مرد بی رحم بعد از قتل همسر جوانش دسیسه وحشتناکی طراحی کرد و پسریچه شان را هم کشت و جنازه را داخل رودخانه تمساح ها انداخت. پلیس پس از دستگیری این مرد گفت: «مادر این پسریچه روز پنجشنبه با ضربات چاقو کشته شد. ولادنا فرانزوی، سخنگوی پلیس در بیانیه ای مطبوعاتی گفت: این کودک که تاکنون مازلی نام دارد زمانی که پلیس جسد مادرش پاترزبورگ جفری، ۲۰ ساله را در



آبارتمان شان پیدا کرد که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود، ناپدید شده بود. تحقیقات پلیس برای یافتن این کودک شروع شد و آنها روز جمعه جسد و جوی ویژه ای در حوالی پارک دل هولمز و دریاچه ماگیوره که در مجاورت پارک قرار دارد، آغاز کردند. آنتونی هالووی، رئیس پلیس سن پترزبورگ در یک

رازگشایی از جسد مومیایی در قلب پایتخت

بالکن قرار داده بودم. اما هوا ابری بود و من نگران بارش باران بودم. به همین خاطر خواستم تا میل هوا را به داخل سالن بیآورم اما واحد قبول نکرد و سرهمین موضوع با هم درگیر شدیم. او به من سیلی زد، من که عصبانی شده بود با میله آهنی چند ضربه به سرش زدم. به دنبال اعترافات مرد پاکستانی، وی به ناخوشانه منم جرم پرداخت و در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.
در دادگاه
در جلسه رسیدگی به این پرونده، دختر و پسر قربانی درخواست قصاص را مطرح کردند. پسر مقتول گفت: پدرم و متهم با هم دوست بودند اما زاهد بی رحمانه پدرم را کشت و می خواست جسد را بر سر به نیست کند. به همین خاطر برای قصاص می خواهم. وقتی متهم در جایگاه ویژه ایستاد و جرمش را کردند گفت: «مادم سوری و پدرم پاکستانی است و خودم هم در

زن جوان شکارچی مسافران نوروزی در آبادان فاش شد

علی زنجکش/ زن بروجردی که به مسافران نوروزی و مغازه ها در آبادان دستبرد می زد از طریق دوربین های مدار بسته شناسایی و دستگیر شد. در پی چندین قفره شکایت درخصوص سرقت کارت عابربانک از مسافران نوروزی و همچنین سرقت از مغازه ها در خیابان امیرکبیر و بازار خیابان امام و بازار مرکزی آبادان رسیدگی به این موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آبادان قرار گرفت.
در این راستا، مأموران دایره تخصصی تجسس کلانتری ۱۶ امیرکبیر با استفاده از شگردهای پلیسی و بازمینی فیلم دوربین های مداربسته مغازه هایی که از آنها سرقت شده بود، موفق به شناسایی و دستگیری سارق شدند.
دزد که زن بروجردی بود و برای انجام سرقت به آبادان آمده بود در بازجویی های فنی اظهار داشت به بهانه خرید به مغازه های سطح شهر می رفتم وقتی خریدار رمز کارتش را به فروشنده می گفت اقدام به سرقت کارت بانکی و خالی کردن کارت آنها می کردم. وی گفت در چندین مرحله نیز اقدام به سرقت



عکس رازگشا

این عکس توسط زن همسایه شکار شد و در اختیار پلیس قرار گرفت.